

جهاد تبیین

مقدمه‌ای برای اصلاح، تحول و مطالبه



در این جهادی که وجود دارد، در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت

دروغ و حقیقت - این جنگی است بین اینها- ما در کجای این جبهه قرار داریم و حضور داریم؟ ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

جهاد تبیین: موضوعی است که ماه‌های اخیر در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها مورد تأکید و اشاره قرار

گرفته است و رهبر انقلاب اسلامی ابعاد مختلف آن را توصیف کرده‌اند. «جهاد تبیین» یک فریضه است. «جهاد

تبیین» یک فریضه‌ی قطعی و یک فریضه‌ی فوری است و هر کسی که میتواند باید اقدام کند» ۱۴۰۰/۱۱/۱۹ خطابی

عمومی که همه افراد جامعه در جنگ رسانه‌ای دشمن علیه حقایق انقلاب اسلامی مردم ایران، مخاطب آن هستند و می‌توانند ایفای نقش کنند؛ اگرچه مسئولین در این زمینه وظایف سنگین‌تری بر دوش دارند.

پایگاه اطلاع‌رسانی **KHAMENEI.IR** بر همین اساس در سلسله یادداشت‌ها و گفت‌وگوهایی به بررسی

این موضوع می‌پردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید یادداشتی به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین علی ذوعلم، رئیس

اندیشگاه بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی است که به بررسی مفهوم «جهاد تبیین» پرداخته است.



جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است

رسانه‌های معاند، با بزک کردن چهره زشت و فاسد رژیم طاغوت و پوشاندن خیانت‌های آنها، حتی به دنبال تزئین و آرایش تصویر سراپا جنایت ساواک هستند و در مقابل، با مخدوش کردن چهره انقلاب و امام بزرگوار حقایق و نقاط مثبت انقلاب را کاملاً کتمان می‌کنند، بنابراین در مقابل این تهاجم رسانه‌ای، جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است



نخستین مرتبه نیست که رهبر انقلاب، مفهوم و اصطلاح «جهاد تبیین» را مطرح کردند. ایشان در طی سال‌های قبل بارها این تعبیر را به کار بردند؛ ضمن اینکه واژه تبیین هم بارها در بیانات ایشان و در مباحث متفکران انقلاب اسلامی مطرح شده است.

تبیین: به معنای روشنگری و بیان حقیقت و واقعیت است. در حقیقت آنچه در تبیین مدنظر است، زدودن غبار بدفهمی، تحریف و کج‌فهمی از مفاهیم و معارف انقلاب اسلامی و همچنین فهمیدن تحلیل‌های نادرست، غلط و مغرضانه از رویدادها و پیشگیری از تحریف و دریافت نادرست است؛ بنابراین، تبیین در جهت روشنگری است، بدون جهت‌گیری خاصی که بخواهیم مطلبی را توجیه کنیم یا امر نادرستی را درست جلوه دهیم.

اگر بخواهیم تبیین را در معارف اسلامی ریشه‌یابی کنیم، مشاهده می‌کنیم که اصولاً پیامبران برای تبیین



آمده‌اند؛ تبیین حقایق عالم، تبیین وجود خود انسان، تبیین ظرفیت‌های انسان، تبیین راهی که باید برود. به همین جهت، یکی از نام‌های قرآن کریم بیان است: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ»؛ قرآن تبیین‌کننده‌ای برای مردم است. رهبر انقلاب از موضع اسلام‌شناس معتقد به معارف انقلاب و اسلام و معارف اسلامی می‌خواهد خط تبیین‌گری پیامبران و امامان را ادامه دهد. انقلاب اسلامی هم نتیجه تبیین گسترده و عمیق بود که در جامعه شکل گرفت. حضرت امام رحمه الله علیه حقایق کشور و اسلام را تبیین کرد و واقعیاتی را که در رژیم پهلوی اتفاق می‌افتاد و آن‌ها مخفی می‌کردند، مورد روشنگری قرار داد؛ بنابراین، تبیین مبنای تفکر انقلاب اسلامی و امتداد آن است؛ یعنی اگر بخواهیم جامعه در مسیر پیشرفت و تعالی حرکت کند، این حرکت بدون حضور مردم ممکن نیست. اگر بخواهیم مردم و جوانان با انقلاب باشند، باید این تبیین را به‌گونه‌ای فراگیر، مستند و مستدل انجام دهیم. اینکه بعضی‌ها تعریف تبیین را

تحریف کردند و به معنای پوشاندن حقایق یا توجیه اشتباهات به کار برده‌اند، برداشت کاملاً نادرستی است و باید این برداشت را اصلاح کرد. نکته مهم دیگر اینکه باید این مفهوم را در کنار سایر مفاهیمی که رهبر انقلاب بر روی آن تأکید دارند، تعریف کنیم.

رهبر معظم انقلاب بر روی مفاهیمی مانند تحول، کار فرهنگی و گفتمان‌سازی، نقد منصفانه و مطالبه‌گری تأکید دارند. اگر تبیین را در کنار این مفاهیم قرار دهیم، مشخص می‌شود که معنای عمیق آن چیست. در این صورت، تبیین مقدمه‌ای خواهد بود برای اصلاح، تحول و مطالبه درست.

از سوی دیگر، تبیین یکی از راهکارهای جذب حداکثری در برابر طرد و راندن کسانی است که احیاناً برداشت صحیحی از حقایق انقلاب و جامعه ندارند و بر اثر تبلیغات و القائات دیگران، دچار تحلیل غلط از واقعیات می‌شوند. به هر حال، عده‌ای هستند که اگر کسانی با آن‌ها هم‌نظر نباشند، آن‌ها را طرد می‌کنند؛ حتی ممکن است کسانی به نام انقلابی‌گری، عده‌ای را طرد کنند یا بعضاً برخورد تهدیدآمیز داشته باشند و چنین افرادی را ضدانقلابی تلقی کنند! تبیین در مقابل این تلقی‌ها قرار دارد. تبیین به این معناست که در برابر افرادی که دریافت درستی از انقلاب، مفاهیم انقلاب، پیشرفت‌ها و پسرفت‌های آن ندارند، روشنگری انجام گیرد و به‌عنوان یک راهبرد برای انقلاب، نظام، جامعه و یک کار مستمر تلقی شود.

جهاد به معنای تلاش و کوشش جدی است. منتها جهادی که در اسلام مطرح است، تلاش و کوشش جدی در برابر دشمن است. نمونه برجسته آن جهاد نظامی و جهاد در میدان رزم است. البته در عرصه‌های اقتصادی،

فرهنگی، تربیتی و ... نیز به کار می‌رود؛ چون بعضی از عرصه‌ها و ابعادی که نیاز به تبیین دارد، به تلاش جدی و مایه گذاشتن هم نیاز دارد. در این صورت تبیین به جهاد تبدیل می‌شود؛ جهادی که وظیفه همه به‌خصوص علما، اساتید، نخبگان و رسانه‌هاست. زمانی که ابهام و تردیدی در برخی اذهان ایجاد می‌شود و شرایط، شرایط فتنه‌انگیزی و تحریف توسط دشمنان است، اگر کسی بخواهد سخنی بگوید و حقیقتی را تبیین کند، باید متحمل هزینه معنوی و حیثیتی شود و شجاعت و صراحت در اعلان مواضع برای او هزینه‌بر است. اینجا جهاد لازم است. اگر بعضی افراد موجه در قضایای فتنه ۸۸ به میدان می‌آمدند و واقعاً آنچه واقعیت داشت بیان می‌کردند، خسارات جامعه کاهش پیدا می‌کرد. تنزه‌طلبی و محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری مانع «جهاد تبیین» است. گاهی سخن حق در جامعه در برابر یک جریان نادرست نیاز به جهاد جدی و نوعی از خودگذشتگی دارد. این شرایط «جهاد تبیین» را توجیه می‌کند. گاهی تصورات نادرست باعث می‌شود کسی فکر کند اگر در این مقطع حرفی بزند که حرف حقی هم هست و خودش هم به آن اعتقاد دارد، ولی ممکن است طرف‌دارانش ریزش کنند یا او را به تحجرگرایی متهم کنند، در اینجا باید با شجاعت، منطق و استدلال وارد شد. «جهاد تبیین» در مقابله با محافظه‌کاری است؛ چون اساساً جهاد حرکتی انقلابی است بر ضد محافظه‌کاری، نه اینکه «جهاد تبیین» ما را به سوی محافظه‌کاری سوق دهد که اشکالات را نبینیم «جهاد تبیین» هرگز مغایرتی با نقد وضعیت ندارد و نه تنها نمی‌خواهد همه روش‌ها، اقدامات و برنامه‌ها را تلقی به قبول کند، بلکه معایب را هم می‌بیند؛ بنابراین، این برداشت‌های غلط از مفهوم «جهاد تبیین» را باید اصلاح کنیم.

نکته مهم دیگر این است که ما به تبیین اثربخش نیاز داریم؛ همان‌گونه که در جهاد نظامی کسی که می‌خواهد جهاد کند باید محاسبه‌گرانه و با برنامه وارد شود، تبیین هم همین‌طور است. حرکت آتش‌به‌اختیار به این معنا نیست که حرکت ناپخته، خام و بدون محاسبه انجام گیرد، بلکه باید کار محاسبه شده و عقلانی باشد. عقلانیت، بستر مشترک برای همه این مفاهیم و همه تحرکاتی است که در انقلاب اسلامی انجام می‌شود؛ چون انقلاب اسلامی انقلاب عقلانی است. اگر کسی به گوشه‌ای از فعالیت‌های کشور، نظام و انقلاب نقد دارد، باید بداند که انقلاب، عقلانی است و می‌توان با آن گفت‌وگو کرد؛ همان‌گونه که در آغاز بیانیه «گام دوم» تأکید شده انقلاب اسلامی باید بماند، اما اینکه چگونه بماند هم برایش مهم است؛ یعنی انقلاب اسلامی استمرار و تقویت خود را در بستر عقلانیت، مردم‌سالاری، منطق و پیشرفت‌گرایی تعریف می‌کند. به همین دلیل، اثربخشی تبیین هم بسیار مهم است. در تبیین اثربخش باید به ظرفیت مخاطب، منطق مخاطب، باورپذیر بودن تبیین، مستدل بودن (که واقعاً واقعیت و حقیقت را روشن کند) توجه کرد. البته تبیین در فضای تعاملی و اعتماد‌آمیز مبتنی بر اندیشه‌ورزی، بسیار اثرگذارتر خواهد بود. مردمی بودن تبیین، یعنی تبیین رسالتی است که هرکسی در هرجایی باید آن را انجام دهد. البته کسانی که از نخبگان جامعه به حساب می‌آیند، دستگاه‌هایی که برد بیشتری دارند در این زمینه بسیار بیشتر از دیگران مسئول‌اند. در یک‌سری عرصه‌ها، رسانه ملی باید «جهاد تبیین» کند و جهاد‌گونه وارد شود یا سایر رسانه‌ها و مراکز پژوهشی، آموزشی و تربیتی باید وارد شوند؛ بنابراین، باید توجه کرد که در «جهاد تبیین» به‌دنبال تبیین اثربخش باشیم

نکته آخر هم اینکه لایه اساسی مخاطبان تبیین، نخبگان و مسئولان هستند. اتفاقاً در مواجهه با نخبگان، مسئولان، روشن‌فکران، عالمان دینی و کسانی که در مسند هدایت مردم قرار دارند، «جهاد تبیین» ارزش مضاعف پیدا می‌کند؛ زیرا مجاهدت مضاعفی لازم است تا فردی که در رأس دستگاه تبلیغی یا رسانه‌ای است، مطلب برایش روشن شود و او بتواند برای دیگران روشنگری کند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین مخاطبان تبیین، نخبگان، مسئولان و مدیران هستند.

رهبر معظم انقلاب شخصاً بزرگ‌ترین «جهاد تبیین» را انجام دادند. صدور بیانیه «گام دوم» در چهل‌مین سالگرد انقلاب در سال ۹۷ جهاد بزرگ تبیین بود که ایشان انجام دادند. نکاتی که ایشان از موضع دفاع از حق و افشای طراحی‌های پیچیده دشمنان انقلاب و اسلام مطرح می‌کنند توسط رسانه‌های بیگانه و کسانی که تمام وقت خود را می‌گذارند که اشکالی به حرف ایشان وارد کنند بلافاصله ممکن است مورد هجوم قرار گیرد، ولی ایشان ملاحظه این موارد را نمی‌کنند، بلکه به ادای تکلیف فکر می‌کنند. در «جهاد تبیین» نوعی تکلیف‌گرایی الهی بسیار عمیقی وجود دارد، همان‌گونه که حضرت امام رحمه‌الله‌علیه بر روی تکلیف الهی بسیار تأکید داشتند. «جهاد تبیین» مصداق تکلیف‌گرایی است که امیدواریم همه مخاطبان بتوانند در این جهت وارد شوند.

منبع:

<https://farsi.khamenei.ir>

نویسنده مطلب: حجه الاسلام و المسلمین علی ذو علم. عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی